

واکاوی آینده نظم پولی جهانی و تأثیرات آن بر نظام بانکداری بین‌الملل ایران

وحید خاشعی و رنامخواستی^{۱*}، مصطفی گوهری فر^۱، زهره دهدشتی شاهرخ^۲،
ولی‌الله سیف^۳

- ۱- دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- ۲- کاندیدای دکتری مدیریت سیاست‌گذاری بازرگانی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- ۳- استاد، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- ۴- استادیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۰

چکیده

براساس آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول، سهم دلار آمریکا از کل ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی در جهان حدود ۶۳ درصد است، درحالی‌که سهم یورو ۲۰ درصد و سهم یوآن ۲/۵ درصد است. این پژوهش در باب جایگاه هژمونیک دلار در نظام اقتصادی جهان استدلال‌هایی مطرح و سپس درجهت فهم سناریوهای آتی این جایگاه تلاش کرده است. واکاوی راهکارهای پیش‌روی نظام بانکداری بین‌الملل ایران در تقابل با جایگاه دلار در نظام مالی جهانی، هدف غایی این پژوهش بوده است. در این



راستا پژوهشی کیفی با روش تحلیل محتوای کیفی عرفی و با حضور ۱۵ نفر از متخصصین حوزه بانکداری بین‌الملل انجام شده است. داده‌ها که از راه مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده‌اند، تجزیه و تحلیل شده‌اند که نتایج نشان می‌دهد: تداوم هژمونی دلار، جایگزینی با ارز ملی دیگر، تقویت ارزهای چندجانبه و جایگزینی با ارزهای دیجیتال، چهار سناریوی آینده نظام مالی جهانی است و متعاقب آن راهکارهای پیش‌روی نظام بانکداری بین‌الملل ایران عبارت است از: توسعه روابط راهبردی مالی با چین، انعقاد پیمان‌های پولی چندجانبه، بهره‌برداری از ارزهای دیجیتال، به‌کارگیری سازوکارهای تجاری غیربانکی.

واژه‌های کلیدی: آینده، نظم پولی، بانکداری بین‌المللی، دلار.

۱- مقدمه و بیان مسئله

تغییر و تحولات نظام‌های ارزی در چند دهه گذشته، سبب شده است تا موضوع نرخ ارز به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بیش از گذشته به‌عنوان یک عامل کلیدی و مهم در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ایفای نقش کند. امروزه ارزش پول ملی کشورها نه تنها تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی داخلی هر کشور قرار دارد، بلکه هرگونه رخداد اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌الملل نیز بر ارزش پول داخلی و به‌ذنبال آن بر اقتصاد تأثیر خواهد گذاشت [۱].

از زمانی که دلار در دهه ۱۹۵۰ نقش خود را به‌عنوان «ارز غالب جهان» تثبیت کرد، روشن شد که موقعیت آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت مالی، تأثیر بسیاری بر سرنوشت اقتصادی کشورهای دیگر می‌گذارد. اما فقط در زمان رئیس‌جمهوری دونالد ترامپ است که آمریکا با درگیر شدن در جنگ مالی از قدرت خود به‌طور معمول و به‌طور کامل استفاده می‌کند و نتایج آن حیرت‌انگیز و تکان‌دهنده بوده است. آنها به نوبه خود کشورهای دیگر را بر آن داشته‌اند که بخواهند از هژمونی مالی آمریکا رها شوند [۲].

سؤال مهمی که وجود دارد این است که از میان پول‌های رایج کدام یک می‌تواند به‌عنوان پول جهان‌روای بین‌المللی برگزیده شود؟ در صحنه بین‌المللی هیچ دولتی نمی‌تواند از راه صدور حکم یا فرمان، پولی را با این عنوان معرفی کند. در عوض تمام فعالان موجود در صحنه

تجارت بین‌المللی باید به توافق‌هایی در زمینه استفاده از پولی به‌عنوان پول بین‌المللی دست پیدا کنند. پنج عامل موجب تبدیل یک پول به پول بین‌المللی می‌شود: ۱- اغلب به بزرگی بازارهای مالی، میزان رقابتی‌بودن اقتصاد و مهم‌تر از همه روابط تجاری و مالی گسترده وابسته‌اند؛ ۲- مربوط به سیستم‌های مالی توسعه‌یافته، نقدینه و آزاد است؛ ۳- باید کم‌خطر به نظر آید، دارای ارزش باثبات برحسب کالاها و خدمات باشد و براساس تورم قدرت خرید آن آسیب نبیند؛ ۴- ثبات سیاسی و ۵- «شبکه اثرهای خارجی» که به موجب آن هرچه مردم بیشتری از یک کالا یا خدمت استفاده کنند، آن کالا یا خدمت ارزشمندتر می‌شود. کنارگذاشتن یک پول جهان‌روا غیر ممکن نیست، ولی بسیار سخت است. در نیمه دوم قرن بیستم دلار به‌عنوان یک پول جهان‌روا جایگزین پوند شد. سپس مارک آلمان به‌عنوان یک پول جهان‌روا برای تجارت و مبادله به‌وجود آمد که در آن زمان جایگاه دلار کمی متزلزل شد. به اعتقاد هارتمن در چارچوب از دست دادن جایگاه یک پول، متغیر اصلی هزینه مبادله است. هزینه‌ها با افزایش مبادلات کاهش پیدا کرده، اما بر اثر نوسانهای نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند. رابطه منفی میان هزینه مبادله و حجم تجارت بیانگر صرفه‌های اقتصادی عرضه و تقاضا است، اما اثر مثبت میان نوسان‌های نرخ مبادله و هزینه آن، بیانگر خطرپذیری بالای پیش‌روی معامله‌گران می‌باشد. ایجاد یا از بین رفتن یک پول جهان‌روا زمانبر است و به تدریج اتفاق می‌افتد [۳].

سهم دلار آمریکا از کل ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی در جهان حدود ۶۳ درصد است، درحالی‌که سهم یورو ۲۰ درصد و سهم یوان ۲/۵ درصد است [۴]. دلاریزه‌شدن را می‌توان به‌عنوان اختصاص سهم قابل‌توجهی از سبد دارایی‌های ارزی یک کشور به دلار تعریف کرد. دلار به‌عنوان اصلی‌ترین ارز استفاده‌شده در تجارت و ذخیره به‌وسیله بانک‌های مرکزی جهان حکمرانی می‌کند [۵].

آمریکا پس از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع به قدرت‌نمایی مالی کرد و جریمه‌های زیادی را به‌دلیل پولشویی و دورزدن تحریم‌ها به بانک‌های بین‌المللی تحمیل کرد. در سال ۲۰۱۴ یک جریمه ۹ میلیارد دلاری علیه بانک فرانسوی BNP Paribas اعمال شد و متعاقب آن ترامپ این تسلیحات مالی را به سطح جدیدی رساند. وی از تحریم‌ها برای فشار آوردن به نظام اقتصادی ایران، کره شمالی، روسیه، ترکیه، ونزوئلا و ... استفاده



کرد. زرادخانه ترامپ همچنین وضع تعرفه‌ها و محدودیت‌های قانونی به شرکت‌های بین‌المللی را به کار گرفته است. با این وجود تحریم‌های ثانویه‌ای هم به کار گرفته شده‌اند که این تحریم‌ها درباره شرکت‌هایی که هنوز با شرکت‌های لیست سیاه آمریکا تجارت می‌کنند، اعمال می‌شود [۲].

بر این اساس، باتوجه به اینکه نظام بانکی کشورمان به صورت کامل تحت تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده قرار گرفته است و همچنین باتوجه به تضعیف جایگاه دلار و قدرت یافتن ارزهای جایگزین، این پژوهش قصد دارد با اتخاذ استراتژی «تحلیل محتوای کیفی» روند آتی نظم پولی جهانی را بررسی کرده و به سؤال‌های زیر پاسخ دهد: نظام پولی جهانی به چه سمتی در حال حرکت است؟ و متعاقب مسیر حرکتی آن، سیستم بانکداری بین‌المللی ایران چه راهکارهایی برای تطبیق و یا مقابله با این حرکت پیش‌رو دارد؟

۲- مبانی نظری و ادبیات پژوهش

اقتصاد بین‌الملل اقتصادی چندقطبی است که هر قطب از نظر موقعیت جهانی، پتانسیل تولید، هزینه‌ها و سیاست‌های اقتصادی در مقایسه با دیگری متفاوت است. اما، این تفاوت‌ها سبب فاصله گرفتن قطب‌های بزرگ اقتصادی از یکدیگر نشده بلکه برعکس، انسجام و همکاری بیشتر آنها را در مسائل اقتصادی و سیاسی جهان باعث شده است، زیرا همگی در این مهم اتفاق نظر دارند که از راه همگرایی می‌توانند موفق به کسب منافع بیشتر شوند. از منظر شاخص‌های «سیاست پولی مستقل، سهم واحدهای پولی در بازارهای مالی بین‌الملل، حجم تجارت جهانی و ذخایر ارزی بین‌المللی»، دلار آمریکا از موقعیت برتری نسبت به دیگر ارزهای معتبر در سطح بین‌الملل برخوردار است [۶].

کیندلبرگر اولین کسی بود که تئوری «ثبات هژمونیک» را برای سیستم پولی بین‌المللی تبیین و اذعان داشت اقتصاد جهانی برای ثبات نیاز به عنصری تثبیت‌کننده به اسم دلار دارد. او در سال ۱۹۸۱ بیان داشت: «من قبلاً در این مورد بحث کرده بودم اقتصاد جهان برای برخوردار شدن از ثبات، احتیاج به یک تثبیت‌کننده دارد که در این فرایند برخی کشورها مهباکردن کالاهای خاص را بر عهده می‌گیرند و از طرف دیگر و در حوزه پولی نیاز به یک مکانیزم بازخورد

برای خلق نقدینگی در زمانی که سیستم پولی گرفتار شده است وجود دارد» [۷]. دلار آمریکا در اقتصاد جهانی نقش اساسی دارد. دلار در سراسر جهان به عنوان وسیله مبادله، واحد حساب و ذخیره ارزش استفاده می‌شود. به باور اقتصاددانان مجموعه‌ای از عوامل ایالات متحده را در این موقعیت قدرت پولی قرار داده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از اندازه اقتصاد، تجارت، حضور مالی و ثبات نسبی قیمت‌های داخلی و بین‌المللی این کشور [۸].

دلار ارز انتخابی برای عملیات تجاری، صدور امنیت و بانکداری بین‌المللی است. این ارز غالب به عنوان لنگری است که بانک‌های مرکزی به دنبال ایجاد ثبات در برابر آن هستند [۹]. نفوذ سیاست‌های پولی ایالات متحده به سایر نقاط جهان با توجه به اهمیت بودجه دلار برای ترازنامه بانک‌های جهانی و همچنین افزایش طول و پیچیدگی زنجیره‌های تأمین جهانی، بیشتر تقویت می‌شود [۱۰].

در دهه‌های گذشته، چندین اقتصاد نوظهور بحران‌های مالی شدیدی را تجربه کردند. این امر منجر به پذیرفتن نیاز به تجدیدنظر در نرخ ارز و نظریه پولی، با در نظر گرفتن دقیق‌تر شرایط، در این کشورها شد. موضوعاتی مانند «دلاریزه‌شدن» و «آثار ترازنامه‌ای» در تدوین و اجرای سیاست‌های پولی و رژیم‌های نرخ ارز مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند [۱۱].

دلاریزه‌شدن سبب کاهش اثربخشی سیاست‌های پولی، کاهش درآمد حق‌الضرب می‌شود. در نهایت نیز زمانی که دارایی و بدهی‌ها با ریسک‌های نقدینگی و ورشکستگی مطابقت ندارند، بخش‌های دولتی و خصوصی را تحت تأثیر تغییرات نرخ ارز قرار می‌دهد. در کنار این مضرات محاسنی نیز دارد که اهم آنها عبارت است از: ۱- امکان پوشش ریسک در برابر تورم و نرخ ارز و پشتیبانی از تنوع پرتفوی؛ ۲- ایفای نقش لنگر سیاست پولی از راه اعمال انضباط در سیاست‌گذاری کلان؛ ۳- فراهم کردن وسیله‌ای برای سرمایه‌گذاری داخلی به عنوان جایگزین فرار سرمایه از راه پشتیبانی از تعمیق مالی [۱۲]؛ ۴- کاهش نوسان‌های نرخ ارز (در برابر دلار) و بحران‌های نرخ ارز؛ ۵- کاهش نرخ بهره و ۶- در بیشتر موارد کاهش قابل توجه نرخ تورم [۱۳].



درک صحیح از نقش جهانی دلار مستلزم ارزیابی کمی توانایی‌های پولی و تأثیر ارز ایالات متحده نسبت به رقبای بالقوه است. تغییر در قابلیت‌های قدرت ایالات متحده (سیاسی، نظامی و اقتصادی) اگرچه ضروری است اما شواهد کافی برای آن وجود ندارد [۱۴].

هرچند بیشترین استفاده از دلار در تراکنش‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد، اما سوءاستفاده از این قدرت ممکن است به‌طور متناقضی منجر به فرسایش شود. همان‌طور که ایالات متحده توانایی‌های تحریم‌های مالی خود را گسترش داده، شیخ ریسک سیاسی را در سیستم پرداخت دلاری افزایش داده است. کشورهای هدف تحریم‌ها در حال بحث در مورد شیوه‌های انجام امور مالی بین‌المللی خود در قالب پلتفرم پرداخت‌های غیر از سیستم‌های مبتنی بر دلار هستند [۱۵].

در صورتی که قدرت نظامی، وابستگی سیاسی، تأمین امنیت و اتحاد‌های استراتژیک را بر وضعیت بین‌المللی یک ارز تأثیرگذار بدانیم، تعهد آمریکا به تأمین امنیت و تأیید سیاست‌های امنیتی ایالات متحده به‌وسیله متحدین این کشور یک عامل تثبیت‌کننده نقش ویژه دلار در نظم پولی بین‌المللی است. اگر ایالات متحده از جهان جدا شود یا تلاش کند متحدان خود را در مورد حمایت ایالات متحده در تلاش برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی و امنیتی مطمئن نکند و نااطمینانی در مورد چگونگی مدیریت تهدیدهای امنیتی ایجاد شود، نظم پولی دلار محور با چالش مواجه شده و عواقب خطرناکی در پی خواهد داشت [۱۶].

نظم مالی بین‌المللی به رهبری آمریکا هم عناصر لیبرال و هم غیرلیبرال دارد. ظهور چین پیامدهای مختلفی بر سلطه ایالات متحده و نظم لیبرال داشته است. در برخی موارد، سیاست چین هر دو را به چالش می‌کشد (برای مثال در مورد مسئله کنترل سرمایه). در موارد دیگر یکی یا دیگری را تضعیف می‌کند (برای مثال بین‌المللی‌سازی ارز و رژیم رتبه‌بندی اعتبار) و در موارد دیگر، سیاست چین هر دو را تقویت می‌کند؛ یعنی نظم بین‌المللی لیبرال و تسلط ایالات متحده (برای مثال تأمین مالی بحران‌های منطقه‌ای). تحت سیاست‌های دولت ترامپ، درگیر جنگ‌های تجاری شدن، تشدید محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، تضعیف اتحاد‌های غربی و رویگردانی پناهندگان و مهاجران باعث به‌چالش کشیدن سلطه ایالات متحده خواهد شد [۱۷]. برخلاف تلاش‌های اتحادیه اروپا و ژاپن، ظهور چین نشان‌دهنده بزرگ‌ترین چالش برای

هژمونی دلار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تغییر از اولویت دلار به یک سیستم پولی جدید که حول محور یوان چین سازمان یافته باشد، پیش‌شرط وقوع چنین تحولی است هرچند در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. به‌رغم تلاش چینی‌ها برای ایجاد زیرساخت‌های لازم، آنها تاکنون موفقیت چندانی در بازطراحی نظم پولی جهان نداشته‌اند [۱۸].

در سطح ملی، انتخاب رژیم نرخ ارز و سطح مطلوب نرخ ارز متناسب با مبادلات تجاری مرتبط است. در سطح بین‌المللی، ویژگی سیستم پولی بین‌المللی به تعامل استراتژیک بین دولت‌ها بستگی دارد که ناشی از نگرانی‌های ملی آنها است و به‌وسیله محیط بین‌المللی محدود می‌شود [۱۹].

تعیین نرخ ارز از طرفی نقش مؤثری بر صادرات و واردات و به تبع آن تنظیم و تعدیل تراز تجاری و تراز پرداخت‌های کشور دارد و از طرف دیگر از نقش مؤثری در تعیین قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی در بازارهای داخلی و بین‌المللی و به تبع آن در تعیین میزان تولید و اشتغال برخوردار است [۲۰].

در یک نظام بین‌المللی، ارزش پول ملی نقش اساسی در تعیین هزینه‌های اقتصادی مربوط به سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات و تأثیر آن بر رشد اقتصادی خواهد گذاشت. نوسان‌های مکرر و نااطمینانی مستمر در نرخ‌های واقعی ارز، می‌تواند با ایجاد یک شرایط نااطمینان و متزلزل در زمینه سود ناشی از مبادله‌های بین‌المللی سبب کاهش تجارت و همچنین کم‌تحركی جریان سرمایه از راه کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های بین‌المللی و به‌هم‌خوردن سبب دارایی‌های مالی شود. اضافه بر این، افزایش و تعدد نوسان‌های نرخ واقعی ارز سبب بالا رفتن قیمت کالاهای قابل‌مبادله و افزایش خطر پوشش تغییرات پیش‌بینی نشده نرخ واقعی ارز می‌شود [۱]. تولید جهانی بیشتر براساس انگیزه‌های تجاری شکل گرفته است و رویکرد برونگرا در برنامه رشد و توسعه اقتصادهای جهانی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. سهم ایران در صادرات و واردات نسبت به جهان اندک است و در ترکیب واردات، اتکای بیش از حد به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای برای یک دوره بلندمدت وجود داشته است [۲۱].



مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. مروری بر مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده

سال انجام	عنوان پژوهش	مرجع
۲۰۰۱	اقتصاد سیاسی روابط پولی بین‌المللی	[۱۹]
۲۰۰۱	دلاریزه‌شدن به‌عنوان یک تمهید پولی برای اقتصادهای نوظهور	[۱۳]
۲۰۱۴	هژمونی دلار، تحلیل قدرت	[۱۴]
۲۰۲۰	پول شکل‌دهنده نظم	[۱۸]
۲۰۲۰	قدرت پرداخت‌ها: نقش نادیده گرفته‌شده دلار به‌عنوان برترین ارز پرداخت‌های بین‌المللی	[۱۵]
۲۰۲۰	مبانی امنیتی اولویت دلار	[۱۶]
۲۰۲۰	چین و سیستم مالی بین‌المللی: به‌چالش کشیدن ایالات متحده یا نظم لیبرال؟	[۱۷]

بررسی، تدقیق و تنسیق پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پژوهشی درخصوص آثار نظم پولی جهانی بر نظام بانکداری بین‌الملل ایران و راهکارهای پیش‌رو انجام شده است که خلاء آن به‌طور کامل محسوس است. فارغ از نگاه کاربردی، به لحاظ نظری نیز بررسی تجربه زیسته یک کشور می‌تواند در ارزیابی و توسعه نظریه‌های مربوط به نظم پولی مؤثر باشد.

۳- روش پژوهش

روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست پیدا کرد [۲۲]. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان نوعی روش‌شناسی پژوهش در خدمت تفسیر محتوایی داده‌ها دانست [۲۳]. به‌طور کلی تحلیل محتوای کیفی با واکاوی مفاهیم، اصطلاحات و ارتباطات بین

این مفاهیم سعی در استنباط و آشکارکردن الگوهای نهان در مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و اسناد مکتوب دارد [۲۴].

تحلیل محتوای عرفی به‌طور معمول در طرح مطالعاتی به‌کار می‌رود که هدف آنها شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب زمانی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات پژوهش درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به‌کارگرفتن بحث‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. برای این منظور خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برای ایشان حاصل شود [۲۵]. این پژوهش با استفاده از روش ((تحلیل محتوای کیفی عرفی)) و با مشارکت ۱۵ نفر از متخصصان امور بین‌الملل بانکی که از راه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، انجام شده است. اطلاعات از راه مصاحبه‌های عمیق با خبرگان گردآوری و سپس تجزیه و تحلیل شدند. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. مشخصات جمعیت‌شناختی خبرگان پژوهش

تعداد	متغیر
	تجربه کاری
۳	تجربه کاری از ۱۵ تا ۲۰ سال
۷	تجربه کاری از ۲۰ تا ۳۰ سال
۵	تجربه کاری بالای ۳۰ سال
	مدرك تحصیلی
۲	دارای تحصیلات کارشناسی
۱۳	دارای تحصیلات تکمیلی

به‌منظور مشروعیت‌بخشی و صحت‌گذاری بر یافته‌ها و تحلیل‌ها، کدگذاری‌ها تحت نظر دو استاد مسلط به روش پژوهش کیفی انجام و اعتبار آن از راه بازبینی به‌وسیله پژوهشگری دیگر بررسی و تأیید شد. معیار باورپذیری نیز در مرحله کیفی به روش بازبینی اعضا به‌کار گرفته شد.



در این زمینه همه مضامین انتخاب شده در فرایندی دوطرفه بین پژوهشگر و تعدادی از مشارکت‌کنندگان بازبینی شد. به منظور اطمینان از انتقال پذیری تلاش شد جزئیات مربوط به مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی و همچنین نمونه‌گیری هدفمند و اقدام‌های انجام شده برای دستیابی به صاحب‌نظران تشریح شود.

۴- یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه‌های عمیق با خبرگان پژوهش، داده‌های به دست آمده تحلیل و خروجی آن به شرح جدول ۳ مشخص شد. در ادامه تم اصلی، طبقه‌های اصلی و زیرطبقه تشریح خواهد شد.

جدول ۳. نمای کلی یافته‌های پژوهش

زیر طبقه	طبقه اصلی	تم اصلی
تداوم هژمونی دلار	سناریوهای محتمل پیش‌رو	نظم پولی جهانی
جایگزینی با ارز ملی دیگر		
تقویت ارزهای چندجانبه		
جایگزینی با ارز دیجیتال		
توسعه روابط راهبردی مالی با چین	راهکارهای پیش‌روی نظام بانکداری بین‌الملل ایران	
انعقاد پیمان‌های پولی چندجانبه		
بهره‌برداری از ارزهای دیجیتال		
به‌کارگیری سازوکارهای‌های تجاری غیربانکی		

۴-۱- نظم پولی جهانی

برخی از کارشناسان تزلزل قدرت دلار را به عنوان نقطه آغاز تغییر نظام پولی جهان پیش‌بینی می‌کنند. به عقیده آنها هرچند به دلیل موانع فوق امکان هم‌گرایی کشورها در تغییر بنیادین نظام پولی ممکن نیست، اما در نهایت روند کنونی به فروپاشی ناگهانی دلار منجر خواهد شد و در

آن زمان کشورهای جهان مجبور خواهند بود برای تعیین یک نظام پولی جدید با یکدیگر مذاکره کنند. برخی دیگر به دلیل سلطه دلار بر مبادلات تجاری جهان و همچنین نهادهای مالی جهانی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در آینده نزدیک از بین رفتن هژمونی دلار قابل تصور نخواهد بود.

۴-۲- سناریوهای پیش‌رو

یافته‌ها نشان می‌دهد که آینده نظم پولی جهانی در قالب چهار سناریو قابل تبیین است که در زیر هر کدام از آنها تشریح شده‌اند.

۴-۲-۱- تداوم هژمونی دلار

ایالات متحده هنوز هم قدرتمندترین کشور جهان بوده و قدرت آن در حوزه‌های نظامی، ژئوپولیتیک، اطلاعات، صنعت، انرژی، علوم، فرهنگ و فناوری محسوس است و به‌عنوان «یک ابرقدرت مالی» توصیف می‌شود. حتی اگر موقعیت آن در اثر عقب‌نشینی‌ها، عدم تعادل‌ها و نقاط ضعف فرسوده شده باشد، قابل‌پیش‌بینی است که به زودی قدرت دلار آمریکا زوال نخواهد پیدا کرد.

به‌عنوان یک سیاست کلان، واشنگتن تمام تلاش خود را برای حفظ و تقویت نقش غالب پول خود به‌عنوان یک واحد حساب بین‌المللی، ذخیره ارزش و وسیله مبادله انجام داده است. دلار آمریکا بدون شک منبع حیات تجارت، بانکداری، تجارت و امور مالی در سراسر جهان است. علاوه بر این، نباید فراموش کرد که گرچه دلار آمریکا یک ارز بدون پشتوانه است، اما از راه منابع قدرت ایالات متحده، از جمله توانایی نظامی، سیاسی، هسته‌ای و اقتصادی پشتیبانی می‌شود. این واقعیت که ذخایر پولی شده به‌وسیله بانک‌های مرکزی بیشتر به دلار آمریکا انجام می‌شود، یک عامل دفاعی در برابر حمله‌ها به ارز آمریکایی است.



۴-۲-۲- جایگزینی با ارز ملی دیگر

چین قاطعانه در حال ارتقای ظرفیت‌ها برای بین‌المللی کردن یوان است، اقدامی که به منظور افزایش قدرت ملی چین در حوزه مالی انجام می‌شود. پکن جو عمومی عدم اطمینان مالی و پولی جهانی به دلار را پنجره‌ای از فرصت برای تقویت واحد پول خود و پایین آوردن ارزش رقیب برتر استراتژیک خود می‌داند. چین در نظر دارد هژمونی پولی ایالات متحده را به چالش بکشد، حتی اگر این به معنای ایجاد یک سیستم از ساختارهای موازی باشد که برای دورزدن دلار طراحی شده باشد. این کار می‌تواند باعث افزایش وزن اقتصادی چین در بازار کالاها، جریان سرمایه بین‌المللی، نفوذ نهادی و اعتبار ملی شود. از این رو، افزایش استفاده از یوان نشانه افزایش قدرت اقتصادی چین است. استفاده از یوان در حال حاضر به عنوان یک واحد پول در حال افزایش است، اما هنوز زود است تا اظهار نظر شود که آیا او توانایی پشت سر گذاشتن دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره جهان را دارد یا خیر. یوان می‌تواند به طور بالقوه به یک رقیب رقابتی برای دلار تبدیل شود، اما اگر بخواهد این روند را جبران کند، باید بر مشکلات اساسی ساختاری غلبه کند و به اجماع با سایر وزنه‌های اقتصادی اثرگذار برسد. هر قدرت بزرگی که علاقه‌مند به نقض نقش هژمونیک دلار است، باید محاسبه‌های مربوط به جایگاه امنیتی و ژئوپولیتیک صادرکننده ارز غالب جهان را به دقت محاسبه کند.

۴-۲-۳- تقویت ارزهای چندجانبه

این امکان وجود دارد که دلار آمریکا جایگاه ممتاز خود را از دست بدهد بدون اینکه جانشین مشخصی جایگزین آن شود. احتمالی که از این استدلال ناشی می‌شود، تولد یک ارز چندجانبه است. عملی‌ترین گزینه می‌تواند چیزی به نام «حقوق برداشت مخصوص» باشد که یک دارایی مصنوعی است که به عنوان یک واحد حساب به وسیله صندوق بین‌المللی پول ایجاد و ارزش آن با سبد چند ارز گره خورده است.

به کارگیری حقوق برداشت مخصوص به عنوان ارز ذخیره بین‌المللی جدید، با موانع قابل توجهی روبه‌رو می‌شود چون که زیرساخت‌های نظام مالی برای چنین موضوعی آماده نشده است. در این سناریو سبد زیربنایی حقوق برداشت مخصوص حتی می‌تواند گسترش

پیدا کرده و ارزهای بازارهای نوظهور را نیز شامل شود. بنابراین، ظهور حقوق برداشت مخصوص به‌عنوان پول بین‌المللی فرصت‌های ارزشمندی را برای کسانی که علاقه‌مند به ازبین بردن برتری دلار هستند، فراهم می‌کند.

۴-۲-۴- جایگزینی با ارز دیجیتال

ازدیاد اخیر به‌کارگیری رمزارزها- محصولی از انقلاب چهارم صنعتی- به‌وسیله برخی به‌عنوان یک تغییردهنده بازی دیده می‌شود. آنها به این ایده اعتقاد دارند که در آینده یکی از آنها در نهایت می‌تواند به پول جدید غالب جهانی تبدیل شود. تاکنون هیچ‌یک از رمزارزهایی که راه‌اندازی شده‌اند، به‌وسیله یک بانک مرکزی منتشر نشده است؛ به‌عبارت دیگر، آنها به‌وسیله قدرت ملی هیچ کشوری پشتیبانی نمی‌شوند. بدون چنین عنصر اساسی، بعید است که یک ارز بدون تابعیت بتواند به بالاترین استاندارد پولی جهان تبدیل شود. با این حال، این به آن معنا نیست که دولت‌ها قادر به ایجاد رمزارزها به‌عنوان همتای دیجیتالی پول کاغذی خود نیستند. علاوه بر این، نرخ ارز رمزارزهای بدون تابعیت موجود (مانند بیت‌کوین) به قدری بی‌ثبات است که به جای اینکه به‌عنوان ذخیره ارزش قابل‌اعتماد و پایدار عمل کنند، مانند دارایی‌های پرریسک عمل می‌کنند. ازاین‌رو، به نظر می‌رسد که حداقل نسل اول رمزارزها فقط به‌عنوان وسیله مبادله در بازارهای بسیار خاص، ازجمله عمیق‌ترین گوشه‌های به اصطلاح «شبکه تاریک» عمل خواهد کرد.

۴-۳- راهکارهای پیش‌روی نظام بانکداری بین‌الملل ایران

۴-۳-۱- توسعه روابط راهبردی مالی با چین

باتوجه به وضعیت روابط ایران و ایالات متحده و همچنین تحریم‌های گسترده این کشور بر نظام مالی ایران، اولین مسیر پیش‌رو توسعه روابط راهبردی مالی با چین است. در صورت به‌نتیجه‌رسیدن برنامه راهبردی ۲۵ ساله روابط ایران- چین، علاوه بر تغییر در وضعیت تأمین ارز با خرید نفت از کشور ما، امکان استفاده از سیستم بانکی این کشور در حوزه تجارت بین‌المللی بیش از پیش فراهم خواهد شد. چین در خط اول دلارزدایی است و برای ایران که



امکان استفاده از نظام مالی مبتنی بر دلار را نخواهد داشت، این فرصت فراهم است که با این کشور همکاری بانکی و مالی داشته باشد. همکاری جامع که بخش‌های سیاسی، دفاعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی را در بر می‌گیرد، برای کشور ما در شرایط فعلی که در حال گذار از اقتصاد مبتنی بر نفت به اقتصاد دانش‌بنیان است، آن هم با چین که از قدرتمندترین اقتصادهای جهانی است، یک بُرد استراتژیک در حوزه‌های دیپلماسی و اقتصادی محسوب می‌شود.

۴-۳-۲- انعقاد پیمان‌های پولی چندجانبه

پیمان پولی توافقی است که کشورها برای تسهیل تجارت و برداشتن موانع انتقال ارز بین خود امضا می‌کنند تا به جای استفاده از ارزهای دیگری همچون دلار و یورو، از پول ملی در صادرات و واردات خود استفاده کنند. با توجه به کارکرد پیمان‌های پولی، این پیمان‌ها در تجارت بین دو یا چند کشور امکان استفاده از ارزهای محلی را فراهم ساخته و نیاز به استفاده از ارزهای مشمول تحریم را کاهش می‌دهد. استفاده از پیمان‌های پولی می‌تواند موجب کاهش تقاضای ارزهای جهان‌روا و در نتیجه فراهم شدن امکان مدیریت بهتر نوسان‌های ارزی شود. با تقویت پیمان‌های پولی بین کشورها، می‌توان انتظار داشت تا تجار با اطمینان بیشتری وارد مراوده‌های تجاری بین‌المللی شوند و به اتکای آن، تولید صادرات محور و سرمایه‌گذاری در راستای آن افزایش پیدا کند. انعقاد این پیمان با کشورهایی که تحت تحریم‌های آمریکا هستند و شرکای راهبردی کشور ما مانند چین، روسیه، ترکیه بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

۴-۳-۳- بهره‌برداری از ارزهای دیجیتال

ارز دیجیتال مفهومی است که به تمام ارزهای برخط اطلاق می‌شود. برخی از ارزهای دیجیتال، نسخه مجازی ارزها در دنیای واقعی هستند به نحوی که وجود فیزیکی دارند و تحت حاکمیت دولت معادل ارزش خود به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شوند [۲۶]. رمزارزها متکی بر فناوری بلاک‌چین هستند و زیرمجموعه ارز دیجیتال هستند که فرایند پردازش، خلق، توزیع و ذخیره آنها از بانک‌های مرکزی مستقل است. با انتشار یوان دیجیتال (e-RMB) به وسیله

چین که نسخه دیجیتال پول ملی این کشور است و به وسیله بانک مرکزی چین خلق شده است، فضای مناسبی برای ایران جهت استفاده از آن فراهم است. همچنین در حوزه رمزارزها باتوجه به اینکه امکان خلق آن در داخل وجود داشته و ردگیری آنها ممکن نیست، حداقل در تبادل‌های بین‌المللی خرد می‌توان از آن استفاده کرد. براساس مصوبه شورای عالی مبارزه با پولشویی در اردیبهشت ۱۳۹۷، استفاده از رمزارزها به وسیله تمام مؤسسه‌های مالی از جمله بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری ممنوع است. براساس این اطلاعیه، هرگونه استفاده و خرید و فروش بیت‌کوین و سایر ارزهای دیجیتال در بانک‌ها، مؤسسه‌های مالی و صرافی‌های با مجوز بانک مرکزی به‌طور رسمی ممنوع اعلام شد. این حکم به معنای ممنوع‌بودن کامل ارزهای مجازی نیست بلکه ممنوعیت بانک‌ها، مؤسسه‌های اعتباری و صرافی‌های با مجوز است. براساس مصوبه هیأت وزیران در ۶ مرداد ۱۳۹۸، استفاده از رمزارزها فقط با قبول مسئولیت ریسک از سوی متعاملان امکان‌پذیر است و مشمول حمایت و ضمانت دولت نیست. براساس این مصوبه استخراج رمزارز با اخذ مجوز از وزارت صمت مجاز است.

۴-۳-۴- به‌کارگیری مکانیزم‌های تجاری غیربانکی جایگزین

یکی از فرصت‌های فراهم‌شده ناشی از تحریم‌های جامع و انسداد شبکه بانکی در حوزه بین‌الملل، به‌کارگیری راهکارهایی است که کمترین تماس را با نظام بانکی دارد. مهم‌ترین راهکار در این زمینه، فعال‌سازی مکانیزم «تهاتر» است. تهاتر یا مبادله کالا با کالا قدیمی‌ترین شکل انجام مبادله‌ها در جهان به‌شمار می‌رود و بازار تهاتری، بازاری است که معادله‌ها در آن براساس مبادله مستقیم کالا یا خدمات یک طرف با کالا و خدمات طرف دیگر بدون دخالت پول انجام می‌شود. در شرایط فعلی نیز وجود تشدید تحریم‌ها بر کشور ما فرصت مناسبی برای ایجاد بازارهای جدید و نوین با ساختار تهاتری است چون که با اجرای روش نوین تهاتری، تمام فعالیت‌های اقتصادی و معامله‌های بازرگانی و غیره از راه‌گردش اعتبار بین اعضای خود تحقق یافته و دیگر نیاز به عبور از تنگنای محدود نقدینگی و مشکلات ناشی از آن نخواهد بود.



با توسعه این روش مالی (تهاتر) در سطح بین‌المللی قادر خواهیم بود با دورزدن تحریم‌ها ضمن حفظ روابط اقتصادی خود (باتوجه به محدودیت‌های مالی و بانکی) با دیگر کشورها، توانمندی‌های کشورمان را در سطح جهانی عرضه کنیم. در این رابطه تداوم طراحی و عملیاتی‌کردن مدل‌های تهاتری با هدف کاهش ریسک‌ها و مشکلات ناشی از تحریم و استفاده از ظرفیت‌های خالی در تمام بخش‌ها از جمله ساختمانی، گردشگری، کشاورزی یا صنعتی به نحو کافی امری ضروری به نظر می‌رسد چون سیستم بازار تهاتر فقط مربوط به مبادله کالا نیست، بلکه خدماتی نظیر حمل‌ونقل، صدور خدمات فنی و مهندسی، ساختمانی و کشاورزی از راه این بازار امکان‌پذیر است.

۵- نتیجه‌گیری

در جهان امروز مبادله‌های بین‌المللی شامل انواع کالاها و خدمات، نقل و انتقالات وجوه و سرمایه در مقیاس قابل‌توجهی وجود دارند و هیچ کشوری به‌طور عملی نمی‌تواند جدا از این تبادل‌ها به زندگی خود ادامه دهد. آمریکا پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع به قدرت‌نمایی مالی کرد و جریمه‌های زیادی را به دلیل پولشویی و دورزدن تحریم‌ها به بانک‌های بین‌المللی تحمیل کرد. در سال ۲۰۱۴ یک جریمه ۹ میلیارد دلاری بر بانک فرانسوی BNP Paribas اعمال شد و به دنبال آن ترامپ این تسلیحات مالی را به سطح جدیدی رساند و از تحریم‌ها برای فشار آوردن به نظام اقتصادی ایران، کره شمالی، روسیه، ترکیه، ونزوئلا و ... استفاده کرد. استفاده از دلار در جهت مقاصد سیاسی توسط ترامپ منجر به آن شده است که دیگر کشورها قدرت دلار را ابزاری برای سوءاستفاده سیاسی آمریکا بدانند و درصدد مقابله با آن برآیند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چهار سناریوی محتمل تداوم هژمونی دلار، جایگزینی با ارز ملی دیگر، تقویت ارزهای چندجانبه و جایگزینی با ارز دیجیتال، فراروی نظام مالی جهانی در آینده خواهد بود. هرچند تلاش‌های زیادی به‌وسیله کشورهای مختلف از جمله چین و روسیه انجام شده و ارزهای دیجیتال به‌صورت جهانی استفاده می‌شوند، اما به‌نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نمی‌توان به فروپاشی سلطه دلار خوشبین بود. با در نظر گرفتن عناصر تبیین‌کننده جایگاه هژمونیک دلار از جمله نقش ایالات متحده در

فعالیت‌های سازمان‌های مالی جهانی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و نقش دلار در سیستم تجارت جهانی و ارزش‌گذاری کالاهای مختلف، جایگزین‌شدن آن با ارزی دیگر واجد احتمال کمی است و محتمل‌تر آن است که یوان چین جایگاه مناسبی در آینده به‌دست آورد و در کنار دلار، یورو و حتی ارزهای دیجیتال هم‌زمان سبد ارزی جهانی باشند. این نتیجه‌گیری با یافته‌های پژوهش کارلا نورلف [۱۴] که معتقد است شواهد کافی مبنی بر تغییر جایگاه هژمونیک دلار وجود ندارد، همخوانی دارد. کوهن و بنی [۲۷] نیز بر این باورند که بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، نه تنها نشانه‌ای از ضعف در سلطه دلار مشاهده نمی‌شود، بلکه به‌نظر می‌رسد قوی‌تر شده است. یافته‌های وینکاف [۲۸] مؤید این مسئله است که سیستم سلسله مراتبی نظم پولی فعلی تا مدت‌ها به همین شکل به فعالیت خود ادامه خواهد داد. تجربه سلطه دلار در سال‌های طولانی باعث شده است تا کشورها با ماهیت «سلطه» مشکل داشته باشند نه نوع ارزی که حاکم است. چین، روسیه، ترکیه، هند و برخی دیگر از کشورها استراتژی «دلارزدایی» را در اولویت سیاست‌های پولی خود قرار داده‌اند. پژوهش خانان و وینسوف [۱۸] بیان می‌کنند که برخلاف تلاش‌های اتحادیه اروپا و ژاپن، ظهور چین نشان‌دهنده بزرگ‌ترین چالش برای هژمونی دلار است. هرچند بررسی‌ها و به‌ویژه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تغییر از اولویت دلار به یک سیستم پولی جدید که حول محور یوان چین سازمان‌یافته باشد، پیش‌شرط وقوع چنین تحولی است هرچند در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست. استفاده از پول‌های محلی خود، توسعه تجارت با کشورهای دارای شراکت راهبردی (مانند همکاری اعضای بریکس)، راه‌اندازی پیام‌رسان‌های مالی جدید جایگزین سوئیفت مانند سامانه پرداخت بین بانکی بین‌المللی چین (CIPS) یا سامانه پیام‌رسان مالی بین‌المللی روسیه (SPFS) از مهم‌ترین اقدام‌های این کشورها بوده است. همچنین همسو با روسیه، چین، فرانسه، لهستان، مجارستان، ترکیه، ایران، قطر، ونزوئلا و اندونزی نیز برای کاهش و حذف دلار از مبادله‌های تجارت بین‌المللی، ذخایر طلائی خود را به میزان قابل‌توجهی افزایش داده‌اند. نتایج پژوهش دانیل مک‌دوول [۱۵] این موضوع را تأیید می‌کند. لاورنس برز [۱۹] بیان می‌کند در سطح بین‌المللی، ویژگی سیستم پولی بین‌المللی به تعامل استراتژیک بین دولت‌ها بستگی دارد که ناشی از نگرانی‌های ملی آنها است و به‌وسیله محیط بین‌المللی محدود می‌شود. همچنین



یافته‌های پژوهش جانستون [۲۹] نشان می‌دهد که باتوجه به عملیاتی‌نشدن کامل نظم پولی با محوریت چین، نمی‌توان به صورت دقیق بیان کرد که این مسئله هژمونی دلار را به چه میزان دچار چالش خواهد کرد.

با در نظر گرفتن این تحولات و با امعان نظر به جهت‌گیری کلان سیاست خارجی کشور ما که به صورت بنیادین با سیاست‌های ایالات متحده در تضاد است، برنامه راهبردی کشور در جهت دلارزدایی در چهار شق توسعه روابط راهبردی مالی با چین، انعقاد پیمان‌های پولی چندجانبه، بهره‌برداری از ارزهای دیجیتال و به‌کارگیری مکانیزم‌های تجاری غیربانکی خلاصه می‌شود. حتی در صورت حدوث توافقی‌هایی میان ایران و ایالات متحده، باید در نظر داشت که این راهکار مقطعی است و در بلندمدت باید بر راهکارهای ذکر شده متمرکز شود.

در اینجا پیشنهاد می‌شود چهار راهکار پیش‌روی نظام بانکداری بین‌الملل کشور ما مستخرج از این پژوهش، از منظر آخرین وضعیت اجرا و آسیب‌شناسی به‌وسیله پژوهشگران بررسی شود.

۶- منابع

- [۱] منافی‌انور وحید و همکاران، «عوامل موثر بر تغییرات نرخ ارز واقعی و تأثیر آن بر شاخص رقابت‌پذیری در اقتصاد ایران (۱۳۹۲-۱۳۵۸)»، فصلنامه علوم اقتصادی، ۹(۳۴)، ۱۳۹۴
- [2] The Economist's report. "Dethroning the dollar", January 18th 2020, pp. 62-65.
- [۳] کمیجانی اکبر، توکل‌یان حسین «تأثیر ترکیب ذخایر خارجی بانک‌های مرکزی بر جایگزینی یورو و دلار: مطالعه کشورهای ایران، عربستان، ترکیه و روسیه»، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۰(۲)، ۱۳۸۹.
- [4] International Monetary Fund's Currency Composition of Official Foreign Exchange Reserves (COFER) database, First quarter of 2020.
- [5] Slawotsky Joel. US financial hegemony: The digital Yuan and risks of Dollar De-weaponization, *Fordham International Law Journal*, 44:1, 2020



[۶] آریا کیومرث، محبی خواه بیتا، «بررسی تغییر ذخایر ارزی ایران از دلار آمریکا به دیگر ارزهای مورد پذیرش»، *مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۱؛ ۱۳۹۰، ۱۱۱-۱۳۴.

- [7] Kindleberger Charles P. *The world in depression, 1929-1939*, Univ of California, Press. ۱۹۷۳
- [8] Carla Norrlof, Paul Poast, Global monetary order and the liberal order debate, *International Studies Perspectives*, 2020, 3-5
- [9] Carmen Reinhart, and Kenneth Rogoff "Exchange arrangements entering the 21st century: Which anchor will hold? ", *Quarterly Journal of Economics*, 134 (2), 2019, 599-646.
- [10] Se-Jik Kim, Hyun Song Shin, "Exchange rates and the working capital channel of trade fluctuations", *AEA Papers and Proceedings*, 108, 2018, 531-36.
- [11] Patricia Alvarez-Plata, Alicia Garcia-Herrero, *To dollarize or De-dollarize: consequences for monetary policy*, German Institute for Economic Research, Berlin, December 2008, pp. 2-32.
- [12] Nicholas Staines, *De-dollarization: A cross-country perspective*, Os Desafios Da Desdolarizacao, 13 de maio.2014
- [13] Gaetano Antinolfi and Todd Keister, "Dollarization as a monetary arrangement for emerging market economies", Federal Reserve Bank of St .Louis.2001
- [14] Carla Norrlof, "Dollar hegemony: A power analysis", *Review of International Political Economy*, 21(5), 2014, 1042-1070.
- [15] Daniel Mcdowell, "Payments power: The overlooked role of the Dollar as the top international payments currency", *International Studies Perspectives*, 2020, pp. 12-18.
- [16] Carla Norrlof, "The security foundations of Dollar primacy", *International Studies Perspectives*, 2020, pp.18-24.
- [17] Hongying Wang, "China and the international financial system: Challenging the united states or the liberal order?", *International Studies Perspectives*, 2020, pp. 29-35.
- [18] Ashna Khanna, Kindred Winecoff W. "The money shapes the order", *International Studies Perspectives*, 2020, pp. 5-11.
- [19] Broz J. Lawrence, Frieden Jeffrey A, "The political economy of international monetary relations", *Annu. Rev. Polit. Sci.*, 4, 2001, 317-343.
- [20] Bahmani-Oskooee M., Kandil M. *Exchange rate fluctuations and output in oil producing countries: The case of Iran*, IMF Working Paper, 113, from <http://imf.org/external/pubs/ft/WP/2007/WP7113.pdf>.2007

[۲۱] فرهادی علیرضا، «بررسی آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۹ (۱)، ۱۳۸۳، ۲۷-۵۸.

[۲۲] تبریزی منصوره، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۱ (۶۴)، ۱۳۹۳، ۱۰۵-۱۳۸.

[۲۳] ایمان محمدتقی، نوشادی محمودرضا، «تحلیل محتوای کیفی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، ۳ (۲): ۱۳۹۰، ۴۴-۵۱.

[۲۴] مؤمنی‌راد، اکبر، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۴ (۴): ۱۳۹۲.

[25] Kondracki N. L., Wellman N. S. "Content analysis: Review of methods and their applications in nutrition education", *Journal of Nutrition Education and Behavior*, 34, 2002, 224-230

[26] Wagner Andrew, *Digital vs. Virtual Currencies*, <https://bitcoinmagazine.com/articles/digital-vs-virtual-currencies-1408735507/2014>

[27] Cohen Benjamin J., Tabitha M. Benney, "What does the international currency system really look like?" *Review of International Political Economy*, 21, 2014, 1017-1041.

[28] Winecoff W., Kindred, "The persistent myth of lost hegemony," revisited: international order as a complex network phenomenon", *Presented at the Annual Meeting of the International Studies Association*, Toronto, CA, 2019

[29] Johnston, Alastair Iain, "China in a world of orders: Rethinking compliance and challenge in Beijing's international relations", *International Security*, 44, 2019, 9-60.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی